روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز و مدیرمسؤول: محمد آخوندی
مدیرعامل: رضا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
پیامرسان: vatanemrooz@ پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰
وطن امروز

پیامبر اعظم(ص): به کودکان محبت کنید و به آنها رحم کنید و هر وقت به آنها وعده دادید به آن وفا کنید، چون آنها شما را روزی‌رسان خود می‌دانند.

اخبار

تحسین رهبر انقلاب از برنامه «تلاوت» قاریان نوجوان

برنامه تلویزیونی «تلاوت» روزانه یک جزء از قرآن کریم توسط قاریان نوجوان که هر روز از شبکه قرآن سیما پخش می‌شود، در روزهای اخیر مورد عنایت و قدردانی مقام معظم رهبری قرار گرفت. برنامه «تلاوت» روزانه یک جزء از قرآن کریم توسط قاریان نوجوان که با حضور بیش از ۲۰۰ دانش‌آموز از مدارس متوسطه اول شهر مقدس قم در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) ضبط شده است و هر روز ساعت ۱۳ از شبکه قرآن سیما پخش می‌شود، در روزهای اخیر مورد عنایت و قدردانی مقام معظم رهبری قرار گرفت.

ایشان ضمن تقدیر از برگزارکننده این جلسه قرآنی، آستان مقدس حضرت معصومه (س) و شبکه قرآن سیما و با تحسین تلاوت‌های تجویدی و کامل این نوجوانان، فرمودند: «مکررا این برنامه را از رسانه ملی دیده‌ام. برگزاری آن، اقدامی عالی است. من جدا از این جلسه قرآنی لذت می‌برم و خیلی اوقات دلم نمی‌آید که برخیزم و بروم».

کارگاه آشنایی با عکاسی فیلم در موزه سینما برگزار می‌شود

موزه سینمای ایران کارگاه آشنایی با عکاسی سینما را با حضور امیر عابدی برگزار می‌کند. در ادامه برگزاری کارگاه‌های تخصصی در موزه سینما، کارگاه آشنایی با عکاسی در فیلم و سینما توسط امیر عابدی، عکاس شناخته شده سینما برگزار می‌شود. این کارگاه سه‌شنبه ۱۱ اردیبهشت از ساعت ۱۵ در سالن فردوس موزه سینما برگزار می‌شود و علاقه‌مندان برای ثبت‌نام و شرکت در این کارگاه می‌توانند به سامانه اینترنتی موزه سینما مراجعه کنند.

این در حالی است که به شرکت‌کنندگان در پایان کارگاه گواهی حضور داده می‌شود. امیر عابدی از سال ۱۳۶۷ به صورت جدی عکاسی را در سینما آغاز کرد و تاکنون عکاسی بیش از ده‌ها فیلم بلند سینمایی، مجموعه تلویزیونی، تئاتر و فیلم کوتاه را انجام داده است.

وی تاکنون جوایزی همچون سیمرغ بلورین بهترین عکس فیلم از جشنواره فیلم فجر را برای عکاسی فیلم «سه زن» و تندیس زرین هشتمین جشن خانه سینما برای عکاسی فیلم «مزرعه پدری» را به دست آورده است.

عابدی عکاسی فیلم‌هایی همچون «نسل سوخته»، «شب یلدا»، «چهارشنبه سوری»، «آلزایمر»، «یک شهروند کاملا معمولی»، «جاده قدیم»، «ساکن طبقه وسط»، «زندان زنان»، «قرمز»، «پرواز در نهایت» و «سریال مدار صفر درجه» را بر عهده داشته است.

«مست عشق» رکورد مخاطب روز نخست اکران را شکست

فیلم «مست عشق» در نخستین روز نمایش عمومی خود، یک رکوردشکنی سهمگین از خود به جا گذاشت و توانست با جذب ۵۱ هزار مخاطب، رکورد فروش روز نخست سینما را از آن خود کند. مجموع فروش این فیلم برای روز نخست، ۳ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان بوده است. این فیلم در شرایطی به این رکوردشکنی دست یافته که این رکورد طی یک دهه اخیر، در اختیار فیلم «ساعت ۵ عصر» مهران مدیری بود. «ساعت ۵ عصر» تا ساعت ۲۳:۵۹ دقیقه جمعه ۳۰ تیر ۱۳۹۶، ۴۲ هزار مخاطب داشت و از آنجایی که این فیلم تا ساعت ۴ بامداد روز شنبه، اکران فوق‌العاده داشت، توانست سرجمع ۵۸ هزار مخاطب داشته باشد. «مست عشق» احتمالا توانسته رکورد نمایش روز نخست سینمای پس از انقلاب را بشکند که این ادعا با توجه به در دسترس نبودن آمار دقیق تعداد مخاطبان روز نخست فیلم‌های دهه‌های ۶۰ تا ابتدای ۹۰، نمی‌تواند چندان دقیق باشد. اکران «مست عشق» اما از روز چهارشنبه آغاز شد و تمام سانس‌های فوق‌العاده اثر نیز تا پیش از ساعت ۲۳:۵۹ دقیقه ترتیب داده شد تا این فیلم بتواند در این بازه، با جذب ۵۱ هزار مخاطب، رکورد پرمخاطب‌ترین فیلم در اکران روز نخست را از آن خود کند.

طی یک دهه اخیر، علاوه بر «ساعت ۵ عصر»، چند فیلم دیگر نیز بوده‌اند که آمار خوبی از خود به جا گذاشته‌اند: «فروشنده» در روز نخست اکران خود، ۲۵ هزار مخاطب داشت. «نهنگ عنبر ۲»، ۲۱ هزار مخاطب، «ما همه با هم هستیم» ۲۹ هزار مخاطب، «هزارپا» ۲۷ هزار مخاطب، «مطرب» ۳۵ هزار مخاطب و «گشت ارشاد ۲» نیز ۳۵ هزار مخاطب داشته است.

تقدیر شورای عالی انقلاب فرهنگی از سریال «رستگاری»

در جلسه‌ای که با حضور اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی برگزار شد، حجت‌الاسلام عبدالحسین خسروپناه دبیر این شورا درباره گیرایی داستان «رستگاری» و استفاده از تکنیک‌های جدید جلوه‌های ویژه برای سریال‌های مناسبتی در ماه رمضان توضیحاتی ارائه داد و گفت: این سریال توانسته مردم را با سلایق مختلف پای تلویزیون بنشاند.

آیت‌الله علی‌اکبر رشاد، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز با تمجید از محتوای سریال «رستگاری» عنوان کرد: صداوسیما ویترین متفاوتی را برای ماه رمضان تدارک دیده بود. در این جلسه با هدایایی از کارگردان، بازیگران و عوامل سریال «رستگاری» تقدیر شد. محمود پاک‌نیت، رضا استادی، پویا امینی، مهدی سلوکی، کاوه سماک باشی، حمیدرضا هدایتی، رامین راستاد، نیما شاهرخ‌شاهی، رضا توکلی، حسن اسدی، محمدرضا رهبری، مالک سراج، افشین سنگ‌چاپ، رامبد شکرآبی، اکبر رحمتی، محمود مقامی، مختار سائقی، نفیسه روشن، سولماز حصاری، پوراندخت مهیمن، شیوا خسرومهر، پرنیا کربلایی، ساقی زینتی، المیرا ربیعی، عاطفه رحمان‌پور، حسنی قبادی، فریبا ترکاشوند، پریا انوری، ژاله درستکار، مونا افخمی، مهرسا فلاحیان، فرخنده فرمانی‌زاده و افسر ناصری از جمله بازیگران این سریال بودند. «رستگاری» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی مسعود ده‌نمکی ماه مبارک رمضان از شبکه ۲ سیما پخش شد.

تجلیل از اکبر زنجانپور به بهانه یک عمر تلاش مستمر در تئاتر و سینما

بازیگر با اصالت

گروه فرهنگ و هنر: اکبر زنجانپور از جمله هنرمندان بااصالت و ماندگاری است که همواره کار خود را در بهترین حالت ممکن انجام داده و هیچ‌گاه شهوت شهرت و دیده شدن نداشته و به همین دلیل غالبا در فضای پرگردوغبار (خصوصا سینما) آن‌چنان که باید قدر ندیده است. اما اکنون خبر رسیده که فردا یکشنبه همزمان با سالروز تولد حمید سمندریان، توسط انجمن کارگردانان خانه تئاتر از یک عمر فعالیت مستمر اکبر زنجانپور در حوزه تئاتر و سینما تجلیل خواهد شد. زنجان‌پور بدون شک یکی از بی‌حاشیه‌ترین، صبورترین و مهم‌ترین هنرمندان ایران است که به حق باید وی را یکی از هنرمندان با اصالت دانست.

زنجانپور با تحصیل در نخستین دوره‌های تئاتر در هنرهای زیبای دانشگاه تهران و تحت آموزه‌های اساتیدی چون «حمید سمندریان» و «داوود رشیدی» به سرعت جذب و شیفته تئاتر شد و با جوهره‌ای که داشت مورد توجه گروه‌های تئاتری حرفه‌ای قرار گرفت و پس از تجربیاتی چون تئاتر «ملاقات بانوی سالخورده/ ۵۱» و «نگاهی از پل /۴۸» به کارگردانی «سمندریان» با تئاترهای «چوب زیر بغل» و «صدای شکستن» هر دو کار «بهمن فرسی» و ایفای نقش‌هایی مهم در آنها که مورد توجه افرادی چون «جلال آل‌احمد» قرار می‌گیرد، مصمم‌تر فعالیت‌هایش را ادامه می‌دهد و تجربه کارگردانی را نیز با نمایش «ریل» نوشته «محمود دولت‌آبادی» به تجربه بازیگری می‌افزاید.

وی پس از فارغ‌التحصیلی بازی در نمایش را در ۳ شاخه اجرای صحنه‌ای، ضبط تلویزیونی و اجرای رادیویی پی می‌گیرد و آثار موفقی را در هر کدام به‌جا می‌گذارد.

دستمایه زنجانپور در این آثار نمایشنامه‌هایی از نویسندگان برجسته جهانی همچون «یوجین اونیل»، «فردریش دورنمات»، «آرتور میلر» و «آنتوان چخوف» است. وی حضور در فیلم‌های «بیتا / هژیر داریوش/ ۵۱» و «شطرنج باد / اصلانی / ۵۵» و ۲ سریال «آتش بدون دود / ابراهیمی / ۵۴» و «طلاق / اسداللهی /۵۶» را نیز در کارنامه پیش از انقلابش تجربه کرد. پس از انقلاب که فعالیت‌های تئاتری به دلیل تحولات فرهنگی متوقف و کند شد با حضور در فیلم‌های «تاریخ‌سازان/ هادی صابر/۵۹» و «مرگ سفید / زندباف /۶۲» به سمت بازی در سینما متمایل شد، هرچند او برخلاف هنرمندانی چون «هادی اسلامی»، «پرویز پرستویی»، «مهدی فتحی» و... هیچ‌گاه با حضور در سینما از تئاتر فاصله نگرفت. تجربیات اولیه‌اش در سینما همچون «یک روز گرم / عسگری/۶۳»، «زائر خلف/ نوعصری /۶۳»، «حادثه/ تهرانی/۶۳» هر چند نقش اصلی را به عهده داشت اما آنچنان به چشم نیامد ولی نقش جنگلبان پیر فیلم «ریشه در خون» سیروس الوند با گریمی متفاوت و بازی خوب «زنجانپور» بسیار تاثیرگذار بود و بده بستان‌های حسی بازی‌اش با «قریبیان» (مبارزی زخمی که در جنگل به او پناه می‌آورد) بویژه در صحنه‌های مچ انداختن و در فرار پایانی یکی از بهترین تجربیات سینمایی‌اش را رقم زد.

«ستاره دنباله‌دار / کاشانی‌نژاد /۶۴» و «سامان / نیک‌آذر /۶۴» نیز آنچنان فیلم‌های مهمی نشدند ولی حضور در نقش اصلی فیلم متفاوت «محمدعلی نجفی» «گزارش یک قتل /۶۵» یکی دیگر از بازی‌های خوبش در سینما را رقم زد. نقش کوتاهی در «تشکیلات / مصیری/۶۵» و «طپش /فخیم‌زاده /۶۷» نیز تجربیات دیگر او در دهه ۶۰ بودند که آنچنان دیده نشدند. پرونده آثار سینمایی «زنجانپور» متاسفانه به غیر از ۲ فیلم «ریشه در خون» و «گزارش یک قتل» به دلایل مختلفی چون نقش و فیلمنامه‌هایی ضعیف و کارگردانانی کم‌تجربه نتوانست تلألویی همپای آثار تئاتری وی داشته باشد و به نوعی باعث شد از این عرصه فاصله بگیرد. چند سال پیش «مسعود کیمیایی» برای نقش اصلی یکی از فیلمنامه‌های خوب و پر و پیمانش «تبعید سایه‌ها» که قرار بود در روسیه فیلمبرداری شود او را انتخاب کرده بود که متاسفانه شرایط تولیدش فراهم نشد و این را هم می‌توان ادامه بدشانسی‌های سینمایی «زنجانپور» دانست.

او در سال‌های پایانی دهه ۶۰ و اوایل ۷۰ با حضور در ۲ سریال موفق «عطر گل یاس» و «آوای فاخته /۷۳» هر دو به کارگردانی «بهمن زرین‌پور» به همراه زنده‌یاد «داوود رشیدی» بازی در سریال‌ها را نیز به پرونده‌اش افزود. بازی درخشان او در سریال «ولایت عشق/فخیم‌زاده» که در نقش منفی «فضل ابن سهل» که نقش را از تیپی تک‌بعدی و تخت به شخصیتی دراماتیک ارتقا داد نیز در یادها مانده است. نقش عموی مختار در سریال عظیم «مختارنامه /میرباقری» هم دیگر نقش تاریخی برجسته او در سریال‌ها به حساب می‌آید.

او پس از انقلاب بازیگری و کارگردانی تئاتر را نیز به موازات پی می‌گیرد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به کارگردانی و بازی «گوریل پشمالو / یوجین اونیل»، «مروارید /۶۱»، «ارزش / میلر /۶۶»، «ساحره سوزان / میلر/۷۰»، «دشمن مردم / ایبسن /۸۵» و نمایشنامه‌های مهم «چخوف» همچون «مرغ دریایی»، «سه‌خواهر»، «ایوانف»، «باغ آلبالو» و نیز بازی در تئاترهای «ارتور و اوئی/برشت/مجید جعفری»، «فیزیکدان‌ها / دورنمات / کرم‌رضایی»، «جان گابریل بورگمن/ فتحی»، «ببر گراز دندان / مرزبان» اشاره کرد. حضور زنجانپور روی صحنه چنان دیدنی و تسخیرکننده است که به جرات می‌توان او را یکی از برترین هنرمندان تئاتر (بویژه پس از انقلاب) دانست.

«زنجانپور» یکی از شریف‌ترین هنرمندانی است که در هر شرایطی تلاش کرده بهترین کار ممکن را انجام دهد، حال گاه در عرصه‌ای چون تئاتر همواره درخشان بوده و گاه همچون سینما اغلب بدشانس بوده و کمتر نقشی هم‌اندازه توانایی‌هایش به پستش خورده اما همواره حضورش، بیانش، نگاهش و دستانش چنان به نقش‌ها جان می‌دهند که در یادها می‌ماند. برای این هنرمند بزرگ آرزوی سلامت و حضوری کماکان پرتلاش و تحقق نقش‌هایی هم‌شأن توانمندی‌هایش داریم.

در هشتمین برنامه سلسله جلسات نمایش فیلم‌تئاترهای شاخص مطرح شد

بی معنایی هملت!

گروه فرهنگ و هنر: هشتمین برنامه سلسله جلسات نمایش فیلم‌تئاترهای شاخص با همکاری مشترک انجمن صنفی منتقدان، نویسندگان و پژوهشگران خانه تئاتر و سینماتک خانه هنرمندان ایران با اکران فیلم‌تئاتر «رزنکرانتز و گیلدنسترن مرده‌اند» به نویسندگی تام استوپارد و کارگردانی دیوید لواکس و تیمون سامرن (محصول سال ۲۰۱۷) با حضور عباس غفاری و محسن خیمه‌دوز برگزار شد.

عباس غفاری در ابتدای این برنامه گفت: فیلم‌تئاتر یکی از نمایشنامه‌های بسیار خوب تام استوپارد را دیدیم که در همان سال‌های اولیه نگارشش، با سر و صدای بسیار زیادی همراه بود. همانطور که می‌دانید، تام استوپارد یکی از بهترین نمایشنامه‌نویسان چند سال اخیر بوده که در زمینه داستان‌نویسی نیز فعال است. او در اروپا و کل جهان آدم مهمی به شمار می‌آید، بنابراین این نمایشنامه نیز اثر مهمی محسوب می‌شود. در واقع ما در این اثر، «هملت» را از نگاه رزنکرانتز و گیلدنسترن می‌بینیم که به نوعی در نمایشنامه شکسپیر آنچنان به آنها پرداخته نشده است. «رزنکرانتز و گیلدنسترن مرده‌اند»، یک نمایش کاملا عبث‌گراست که سعی می‌کند تقدیرگرایی داشته باشد. در ادامه این نشست محسن خیمه‌دوز گفت: در ادامه صحبت‌های آقای غفاری، سعی می‌کنم به نکاتی اشاره کنم. ابتدا می‌خواهم درباره سابقه نگارش این متن توسط استوپارد و ویژگی‌های زمانه‌ای که سبب شد این متن نوشته شود، صحبت کنم. در ادامه درباره نقدهایی که استوپارد نسبت به «هملت» داشته نیز صحبت‌هایی را بیان می‌کنم. زمانه نگارش این متن، اساسا زمانه تحول نقد بوده است. اساسا خود این فیلم و نمایشنامه نیز زاییده جریان نقد است. تا پیش از مه سال ۱۹۶۸ که هنوز این نمایشنامه نوشته نشده بود، ۲ جریان نقد وجود داشت؛ جریان نقد نو و جریان ساختارگرایی. این دو جریان با یکدیگر متفاوت بودند اما نگاه به درون و ساختار متن و همین‌طور نگاه تاریخی به متن (در هر دوی آنها) امکان‌پذیر نبود. در نتیجه تعدادی از دانشجویان در جنبش ۱۹۶۸ به این نتیجه رسیدند باید آن ساختار را بشکنند. در واقع از آن نقد کلاسیک عبور کنند.

این منتقد تئاتر در ادامه صحبت‌هایش بیان کرد: از میان این ۳ جریان، جریان پست‌مدرنیسم انتقادی بیرون آمد. در حین این جریان، نقدهایی نسبت به اسطوره‌های حوزه ادبیات صورت گرفت و نقد به دین، ایدئولوژی‌ها، همچنین چهره‌های شاخص ادبی چون شکسپیر مطرح شد. منتقدان زیادی بر اساس چند نحله نقد آمدند و چهره‌های اسطوره شده ادبیات و نمایشنامه‌نویسی را نقد کردند. ۲ نفر از آنها خیلی مطرح بودند؛ ادوارد باند و تام استوپارد. هر دو از منظر نقد جدید به شکسپیر گیر دادند و شروع به شکست اسطوره او کردند. هر دو پس از نقدهای مفصلی که نوشتند، به این نتیجه رسیدند اولا شکسپیر، شاعر ملی نبوده و این باوری ایدئولوژیک است که به او چسبانده‌اند. دوم اینکه شکسپیر یک فاشیست انگلیسی است که از منظر قدرت علیه افراد حاشیه‌ای اقدام و کشتار افراد حاشیه‌ای به نفع قدرت را توجیه کرده است. این توجیه در نمایشنامه‌های شکسپیر حالت زیبایی‌شناختی دارد.

خیمه‌دوز در ادامه گفت: هرکدام از این دو منتقد، نمایشنامه‌ای نوشتند؛ باند نمایشنامه لیر را در نقد «شاه‌لیر» نوشت و استوپارد نمایشنامه «رزنکرانتز و گیلدنسترن مرده‌اند» را نوشت که امروز آن را دیدیم. بعد از نگارش این دو اثر، سر و صدای زیادی به پا شد. در واقع نوعی ساخت‌شکنی واقعی و زیربنایی علیه نمایشنامه‌های شکسپیر نوشته شد که جریان آن تا امروز هم ادامه دارد. درباره ویژگی‌های نقدی که تام استوپارد در این اثر نوشته نیز باید بگویم تئوری در فلسفه به موازات جریان نقد مدرن و پست‌مدرن در فلسفه تحلیلی شکل گرفت که با عنوان تئوری جهان‌های ممکن شناخته می‌شود و در آن چهره‌های شاخصی حضور داشتند. آنها قصد داشتند منطقی با عنوان موجهات درست کنند، بنابراین به این نتیجه رسیدند که تئوری جهان‌های ممکن می‌تواند به آنها کمک کند.

وی ادامه داد: در نهایت متوجه شدند گزاره‌هایی ضرورتا صادق هستند که در همه جهان‌های ممکن صادق باشند. همچنین گزاره‌هایی احتمالا صادق هستند که در برخی جهان‌های ممکن صادق باشند و گزاره‌هایی که اصلا نمی‌توانند صادق باشند در هیچ جهان ممکنی صادق نیستند.

این بحث گسترده شد و بی‌آنکه خودشان بدانند، بحث وارد فضای حوزه ادبیات، هنر و زیست جهان هم شد به طوری که تعاریفی دادند که ممکن است اصلا به هم نزدیک نباشند اما تحت تاثیر یکدیگر به شمار می‌آیند. جهان ممکنی که فیلسوفان تحلیلی تعریف کردند، این بود: «جهان ممکن به مجموعه گزاره‌های سازگاری گفته می‌شود که به ازای هر گزاره در زبان، آن گزاره یا نقیض آن عضوی از آن مجموعه است». به موازات همین موضوع، تعریفی از جهان ممکن وارد زندگی روزمره شد. در واقع گفتند در کنار جهان ممکنی که ما در آن زندگی می‌کنیم و جهان واقعی است، بی‌نهایت جهان ممکن می‌تواند وجود داشته باشد. مثلا این نشستی که ما امروز داریم، یک جهان واقعی است اما می‌توان کنار آن جهان ممکنی هم متصور بود که در همین زمان اتفاق دیگری نیز رخ می‌دهد.

خیمه‌دوز در ادامه گفت: دوم اینکه در این نمایش، تام استوپارد، قهرمان را تبدیل به ضد قهرمان می‌کند. ما در «هملت» قهرمان داریم و اثر قهرمان‌محور است ولی در اینجا، متن ضد قهرمان است و این برای نمایش‌های کلاسیک اساسا قابل پذیرش نیست، چون آنها همگی قهرمان‌محور هستند. همچنین تام استوپارد در این اثر ساخت قصر و قدرت را تبدیل به پارک و فضای عمومی می‌کند که نوازنده‌های دوره‌گرد به راحتی در آن رفت و آمد می‌کنند و آن اسطوره قصر را می‌شکنند. در کنار این موارد، نکات دیگری نیز وجود دارد. بالاخره اینکه تام استوپارد معناداری هملت را تبدیل به بی‌معنایی می‌کند. این موضوع در دیالوگ‌های ۲ کاراکتر اصلی مشهود است.

حتی یکی از کاراکترها به این موضوع اشاره می‌کند که نصف حرف‌های هملت به چیز دیگری ربط داشت و نصف دیگر آن هم معنی نداشت. یعنی اساسا هملت معنی نداشته است.

روایتی از سیمین دانشور به عنوان یکی از نویسندگان ماندگار ادبیات ایران

نویسنده‌ای که محو خمینی بود

گروه فرهنگ و هنر: سیمین دانشور ۸ اردیبهشت ۱۳۰۰ در شیراز به دنیا آمد. پدرش دکتر محمدعلی دانشور (احیاءالسلطنه) - همان که دانشور در رمان «سووشون» از او به نام دکتر عبدالله خان یاد می‌کند - مردی با فرهنگ و ادب بود و عضو گروه حافظیون که شب‌های جمعه بر سر مزار حافظ جمع می‌شدند و یاد حافظ را زنده می‌داشتند. مادر سیمین دانشور قمرالسلطنه حکمت نام داشت؛ بانویی شاعر و هنرمند که نقاشی را به فرزندانش می‌آموخت و مدتی هم مدیر هنرستان دخترانه هنرهای شیراز بود. سیمین ۳ برادر و ۲ خواهر داشت و در خانواده‌ای اهل ذوق و هنر پرورش یافت.

بانوی داستان‌سرا از کودکی با ادبیات و هنر توسط مادر و پدرش آشنا شد و دوران ابتدایی و متوسط را در مدرسه انگلیسی «مهرآیین» به تحصیل پرداخت و در امتحانات نهایی شاگرد اول سراسر کشور شد. سپس به تهران آمد و در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به تحصیل مشغول شد و در مدرسه‌ای آمریکایی در تهران اقامت گزید.

پدرش سال ۱۳۲۰ زمانی که سیمین موفق به اخذ مدرک لیسانس شده بود، درگذشت و با وجود درآمد مکفی پدر و ثروت مادرش برای مدتی مجبور به کار کردن شد. از جمله کارهایی که سیمین به آن اشتغال داشت، معاونت اداره تبلیغات خارجی، همچنین نوشتن مقاله برای روزنامه ایران آن زمان با نام مستعار «شیرازی بی‌نام» بود و برای مدت کوتاهی نیز در رادیو تهران مشغول بود.

دکتر سیمین دانشور سال ۱۳۲۷ توانست نخستین مجموعه داستان‌های کوتاهش را با عنوان «آتش خاموش» منتشر کند که برخی داستان‌های این مجموعه ۱۶ قسمتی، قبلا در روزنامه کیهان، مجله بانو و امید چاپ شده بود.

دانشور در واقع نخستین زنی است که داستان‌نویس بودن را به صورت حرفه‌ای پیش گرفت. البته قبل از او هم افرادی بودند مانند امینه پاکروان که البته به فرانسه می‌نوشت، زیرا فارسی را خوب نمی‌دانست اما در هر حال سیمین دانشور را نخستین زن نویسنده ایرانی می‌دانند.

یکی از مهم‌ترین اتفاقات زندگی این بانوی نویسنده روایتی جالب است که در دیدار جمعی از نویسندگان با حضرت امام خمینی(ره) در روزهای نخست پیروزی انقلاب اسلامی رخ داد؛ دیداری که سیمین چنان محو امام شده بود که توان صحبت کردن نداشت. دانشور پیرامون امام خمینی(ره) چنین گفته بود: من حضرت امام خمینی رهبر انقلاب مردم ایران را کلمه الحق می‌دانم. مردی می‌دانم که با کلام و کتاب به میدان آمده و با چنین سلاحی بر چنان زرادخانه کم‌نظیری مستولی گردیده و کاری کرده است کس نکرد و کارشان. مردی می‌دانم مظهر تاریخی نو، فضایی نو و اخلاقی نو، مردی که الهامات خود را باور دارد و ایمانش به یقین پیوسته است و احتمالاً دعای نیمه‌شعبان امام به تعبدش چنین بوده است که این ایمان یقین را به من ارزانی دار... و دعایش مستجاب گشته و چنین است که اینگونه بر خود مسلط و برخوردار از اعتماد به نفس است و چنین مردی بارها و بارها گفته است که مسؤول نسل آینده است و آرزویش نظام حکومتی است اسلامی و ایرانی که حافظ استقلال و دموکراسی باشد».

البته این لطافت نگاه سیمین تنها به امام خمینی(ره) محدود نبود و از آنجایی که در خانه‌شان به واسطه ارتباط جلال با مشاهیر عصر، به روی خیلی‌ها باز بود، از این نوع گفتار درباره افراد دیگری همچون امام موسی صدر نیز داشته است:

«... موسی صدر خیلی خوش‌تیپ بود. حالا قذافی او را ناپدید کرده یا کشته من نمی‌دانم. غروب بود. موسی صدر آمد. در زد. یکی از زیباترین مردهای دنیا بود. با چشم‌های خاکستری، درشت و زیبا. لباس آخوندی او هم شیک بود. از این سینه کفتری‌ها. در را که باز کردم او را در چارچوب در دیدم و گفتم: ببینم! شما پیغمبری یا امامی؟ حق نداری اینقدر خوشگل باشی. خندید و گفت: جلال هست؟»

سیمین دانشور، امام را از همان سال‌های مبارزات پیش از انقلاب می‌شناخت. در لابه‌لای نامه‌های رد و بدل شده میان او و جلال، نام آیت‌الله خمینی هم دیده می‌شود. در یکی از این نامه‌ها، سیمین خطاب به جلال می‌نویسد: «جلال جان! این حرفت مرا به فکر فرو برد که نکند بیکار کردن تو درست در این ایام، به علت روابطت با آیت‌الله خمینی بوده است. تو چند بار به قم رفتی و یک بار هم در نامه‌های اخیرت نوشته بودی آیت‌الله در دروس تحت نظرند و رفتم ایشان را ببینم، آژان‌ها نگذاشتند».

دانشور هنگام وقوع قیام ۱۵ خرداد در آمریکا سکونت داشت اما به گواهی همین نامه‌ها، اخبار این واقعه را هم از همان راه دور دنبال می‌کرد. با وجود اینکه جلال، موفق به دیدار با امام شده بود اما تا آن زمان سیمین هنوز موفق به این دیدار نشده بود.

با پیروزی انقلاب اسلامی، سیمین دانشور از معدود نویسندگان و روشنفکرانی بود که به‌رغم آنکه سبک زندگی مذهبی کاملی نداشت، از انقلاب و امام حمایت و تمجید کرد.

سیمین دانشور امروز در حالی که ۱۳ سال است در دنیا نیست اما آثارش جزو خواندنی‌ترین و موثرترین آثار حوزه ادبیات کشور به شمار می‌رود. به عنوان نمونه بر اساس رمان «سووشون» تا چند ماه آینده یکی از بزرگ‌ترین و پرهزینه‌ترین سریال‌های تولیدی در کشور آماده پخش می‌شود و با توجه به حضور بسیاری از بازیگران حرفه‌ای در این مجموعه نمایشی، می‌توان پیش‌بینی کرد جزو یکی از پرمخاطب‌ترین سریال‌ها خواهد شد.